

چکیده:

زمینه و هدف: از شاعران توانمند دوره صفوی، همزمان با عصر سلطان محمد خدابنده، شاعری به نام مسیحی است که به استناد اشعارش، نخست مسیحی بوده و سپس به دین اسلام گرویده است. نسخه خطی اشعار او تاکنون، تصحیح و از منظر سبک‌شناسی مورد بررسی قرار نگرفته است؛ لذا هدف اصلی این پژوهش، معرفی نسخه خطی دیوان شعر، بررسی و تحلیل عناصر و مولفه‌های سبکی تشکیل اشعار اوست تا خوانندگان با زندگی، شخصیت و مشخصه‌های سبکی اشعار او در حوزه‌های زبانی، ادبی و فکری آشنا شوند.

روش‌ها: پژوهش پیش‌رو، مطالعه نظری و با شیوه کتابخانه‌ای و روش تحلیلی-توصیفی انجام شده است. جامعه مورد مطالعه، نسخه خطی دیوان اشعار مسیحی با بیش از ۱۱۳۰ بیت شعر، به شماره ۳-۴۹۵۳ موجود در کتابخانه آستان قدس رضوی است.

یافته‌ها: مسیحی تحت تاثیر عوامل سیاسی، اجتماعی عصر خود از اوزان آرام و عاشقانه هزج، اوزان شورانگیز و پرچنده عرفانی رمل و اوزان نرم و سنگین در معنای گله و شکایت بیشترین استفاده را داشته، ردیف‌ها ساده، مفرد و بیشتر فعلی است. واژه‌های عربی برعکس واژه‌های کهن فارسی، بسامد بالایی دارد؛ در سطح ادبی، انواع تشبیه و استعاره، ایهام، تصدیق و تکرار مشخصه سبکی هستند؛ از نظر فکری نیز مضامین عاشقانه، تعلیمی و عرفانی مشهود و متمایز است.

نتیجه‌گیری: بررسی نسخه خطی دیوان مسیحی نشان داد، شاعر در سه حوزه زبانی، ادبی و فکری تحت تاثیر سبک عراقی و با اوزان متنوع، ردیف و قافیه، اشعار خود را موسیقایی و آهنگین کرده است. بسامد بالای واژه‌های مرتبط با دین مسیحیت از ویژگیهای لغوی و تصویرآفرینی در قالب صورخیال و سایر آرایه‌های ادبی چون تلمیح، ارسال المثل، ایهام و مضامین رندانه و موضوعات عاشقانه، عارفانه و تعلیمی، از ویژگیهای غالب اشعار مسیحی است.

تاریخ دریافت: ۱۵ دی ۱۴۰۲

تاریخ داوری: ۱۶ بهمن ۱۴۰۲

تاریخ اصلاح: ۳۰ بهمن ۱۴۰۲

تاریخ پذیرش: ۱۸ فروردین ۱۴۰۳

کلمات کلیدی:

مسیحی، نسخه خطی، شعر، زندگی‌نامه، سبک‌شناسی

* نویسنده مسئول:

m.khatibnia@khuif.ac.ir

۳۵۰۰۲۵۰۰ (+۹۸ ۳۱)



ORIGINAL RESEARCH ARTICLE

Introduction to manuscript, biography and Christian poetry style

M. Khatibnia

Department of Persian Language and Literature, Isfahan Branch (Khorasgan), Islamic Azad University, Isfahan, Iran.

ARTICLE INFO

Article History:

Received: 05 January 2024
Reviewed: 05 February
Revised: 19 February 2024
Accepted: 06 April 2024

KEYWORDS

Masihi, manuscript, poetry, biography, stylistics

*Corresponding Author

✉ m.khatibnia@khuif.ac.ir

☎ (+98 31) 35002000

ABSTRACT




BACKGROUND AND OBJECTIVES: One of the powerful poets of the Safavid era, at the same time as Sultan Muhammad Khodabandeh, is a poet named Masihi, who, based on his poems, was first a Christian and then converted to Islam. His poems have not been studied from the point of view of stylistics; Therefore, the main goal of this research is to investigate and analyze the stylistic elements and components of his poems so that the readers can get acquainted with the life, personality and stylistic characteristics of his poems in the linguistic, literary and intellectual fields.

METHODOLOGY: The prospective research, a theoretical study, was conducted with a library method and analytical-descriptive method. The studied community is the manuscript of the Divan of Masihi Poems with more than 1130 lines of poetry, numbered 3-4953, available in the Astan Quds Razavi library.

FINDINGS: Masihi, under the influence of political and social factors of their era, used the calm and romantic weights of Hazaj, the passionate and passionate mystical weights of Ramel, and the soft and heavy weights in the meaning of flock and complaint, the rows are simple, singular and more current. Unlike old Persian words, Arabic words have a high frequency; At the literary level, all kinds of similes and metaphors, allusions, imitations, and repetitions are characteristic of style; Intellectually, romantic, educational and mystical themes are evident and distinct.

CONCLUSION: Examining the manuscript of Diwan Mashii showed that the poet has musicalized his poems in three areas of language, literature and thought under the influence of Iraqi style and with various weights, lines and rhymes. The high frequency of words related to Masihi is one of the lexical features of his poems; Image creation in the form of parables and other literary arrays such as hints, parables, allusions, romantic themes and romantic, mystical and educational themes are one of the dominant features of Masihi poems.

DOI: <http://10.22034/bahareadab.2024.17.7542>

NUMBER OF REFERENCES	NUMBER OF TABLES	NUMBER OF FIGURES
 27	 0	 0

مقدمه :

بیان مسأله

نسخه‌های خطی موجود و مرتبط با زبان و ادبیات فارسی، بخشی از فرهنگ غنی و گمنام این مرز و بوم است که بر هر کدام از ما لازم است، تا آنها را از پستوی نسیان و خمول به در آورده، به تصحیح و معرفی آن بپردازیم یا به اهل فن سپرده تا این گنجینه‌های معنوی را مورد بررسی قرار داده، به چاپ برسانند. بسیاری از این مجموعه‌های خطی، دایره‌المعارفی از اصطلاحات ادبی، اطلاعات اجتماعی، فرهنگی، جغرافیایی و سیاسی است که داده‌ها و نتایج مفیدی از نحوه زندگی و فرهنگ گذشتگان به دست می‌دهد. یکی از این مجموعه‌های ارزشمند، نسخه خطی دیوان مسیحی است که پژوهشگر بر آن است تا با بررسی دیوان شعر او، به بیان ابعاد مختلفی از زندگینامه و سبک شعر او بپردازد. مسیحی در دوره صفویه میزیسته و در شاعری پیرو سبک عراقی و تحت تاثیر اشعار حافظ است؛ متأسفانه تنها اثری که از این شاعر بجا مانده، نسخه خطی دیوان اشعار اوست که در کتابخانه آستان قدس رضوی نگهداری میشود پژوهش حاضر اهداف زیر را دنبال میکند:

یک، معرفی شاعر، زندگینامه و نسخه خطی دیوان شعر او.

دو، بررسی شاخصه‌های سبکی اشعار مسیحی در سطوح سه‌گانه زبانی، ادبی و فکری.

همچنین، در این پژوهش سعی بر آن است تا به این پرسشها پاسخ داده شود:

یک، زندگینامه و مشخصه‌های سبکی اشعار مسیحی کدام است؟

دو، سبک اشعار مسیحی بویژه غزلیات، چیست؟

ضرورت انجام تحقیق:

دیوان اشعار مسیحی تاکنون به صورت نسخه خطی، به دور از دسترس ادب‌دوستان و پژوهشگران باقی مانده است؛ لذا تصحیح و بررسی سبک‌شناسانه، چاپ دیوان شعر او و معرفی شاعر و نسخه خطی وی، از ضرورت‌های انجام این پژوهش محسوب میشود.

روش پژوهش:

شیوه تحقیق، توصیفی و تحلیلی و ابزار پژوهش، کتابهای موجود در کتابخانه و سایتهای پژوهشی و نسخه خطی است؛ به این ترتیب که بعد از تصحیح انتقادی تک نسخه دیوان اشعار مسیحی با جامعه ۱۱۳۰ بیت، ویژگیهای برجسته شعر او که منجر به تشخیص سبکی شده، شناسایی و مورد تجزیه و تحلیل و طبقه‌بندی قرار گرفته است.

پیشینه تحقیق:

تا آنجا که منابع و تذکره‌های موجود مورد بررسی و جستجو قرار گرفت، تاکنون درباره دیوان شعر مسیحی و سبک شعری او هیچ پژوهشی انجام نگرفته است؛ حتی در تذکره‌های بجا مانده از دوره صفویه نیز، مطلبی یافت نشد و تنها معرفی مختصر درباره شاعر، مربوط به فهرستواره دست‌نوشته‌های ایران از آقای مصطفی درایتی، جلد پانزدهم میباشد که با معرفی تک نسخه دیوان وی در چند خط، زمینه را برای یک پژوهش مبسوط مهیا نموده‌است.

نوآوری و تقلید:

با تصحیح و بررسی نسخه خطی دیوان مسیحی در قالب ۱۱۳۰ بیت شعر، میتوان گفت، اشعار مسیحی از جنبه لغوی با بسامد بالای رمزگان بویژه در استفاده از واژه های مرتبط با دین مسیحیت، رمزگان خراباتی و رندانه، ترکیبهای اسمی جدید چون «بازآورد، بی طریق، نادریشی، نشست آور، آشوب شهر...»، دارای نوآوری است. بیان جمله های کوتاه و روشن که نشاندهنده سرعت اندیشه و هیجان انگیزی کلام است؛ تقدم فعل بر سایر اجزای جمله که بر تاثیرگذاری شعر افزوده؛ سطح بالای موسیقایی اشعار با کاربرد فراوان آرایه های چون تکرار، همحروفی، همصدایی، تصدیر، جناس و انواع سجع و مشخصه های سبکی چون بسامد بالای ایهام تناسب، صورخیال، مضمون-آفرینی و تصویرسازی از نوآوریهای هنری اشعار مسیحی است، در کل شاعر در سه حوزه زبانی، ادبی و فکری تحت تاثیر سبک عراقی بویژه اشعار حافظ قرار دارد.

بحث:

این پژوهش ضمن معرفی نسخه خطی و بیان زندگینامه شاعر، بر آن است تا مهمترین ویژگیها و شاخصه های شعری مسیحی را در سه سطح فکری، زبانی و ادبی مورد بررسی و ارزیابی قرار دهد.

- معرفی تک نسخه دیوان مسیحی (masihi)

نسخه خطی دیوان مسیحی در یک جُنگ تحت عنوان، «مجموعه غزلیات فارسی» در کنار اشعار دیگری از بابافغانی و خسرو دهلوی، جای گرفته است. این نسخه خطی توسط میرزا رضاخان نایینی، مردادماه ۱۳۱۱ به کتابخانه آستان قدس رضوی، اهدا شد و سال ۱۳۴۸ مورد بازبینی قرار گرفته است نسخه خطی موجود در مشهد رضوی به شماره ۴۹۵۳/۳ است که ۲۰ ربیع الثانی سال ۱۰۲۷ قمری توسط کاتب امام ویردی ساکن اصفهان، مورد کتابت قرار گرفته است آغاز نسخه:

تا نهادی به سر سدره پا درره تحقیق نشد منتها

انجام:

در این راه با خود آی مکن فکر خاص و عام

۱۱۳۰ بیت است به خط نستعلیق با کاغذ شکری و جلد تیماج مشکی، ۷ صفحه و در هر صفحه ۱۹ سطر (۱۸/۵×۸/۵) به اندازه ۲۵/۲×۱۲/۵ سم [فا: ۷-۷۷۱]

- معرفی مسیحی و نگاهی مختصر به زندگی وی

نام مسیحی در هیچ تذکره ای یافت نشد؛ ولی آنگونه که از مضامین موجود در نسخه خطی دیوان وی، به دست می آید، شاعر، نخست مسیحی بوده و سپس به اسلام گرویده است. «اوج حضور مسیحیان در طول تاریخ در ایران، مربوط به زمان سلطان محمد خدابنده الجایتو است که در قرن هفتم بر ایران حکومت می کرد، مادر وی مسیحی بود؛ از این رو، فرزندش را غسل تعمید داد و «نیکولو» نامید. حضور مسیحیان در ایران تا دوره صفوی ادامه داشت؛

اما حضور قدرتمند و تبلیغ تشیع، توسط پادشاهان صفوی، راه را بر دیگر مذاهب بست؛ در نتیجه بسیاری از سایر مذاهب، از جمله مسیحیت به اسلام گرویدند» (آزند، ۱۳۸۰، ص ۷۴) شاعر مورد نظر از جمله این افراد است:

از صومعه چون رخت به در بُرد مسیحی سجاده تقوا به خرابات فکنده است
(نسخه خطی، بیت ۱۱۱)

به استناد اشعار وی، نام او «حسن» است:

چون مرا نیست در این واقعه روزی بهبود گفتیم ای حسن این خرقة چه کردی تو کبود؟
(همان، بیت ۱۱۶)

کاتب نسخه خطی، تاریخ اتمام کتاب را شهر محرم الحرام سال ۱۰۲۷ اعلام کرده که حدود ۴۱۶ سال پیش و مصادف با پادشاهی سلطان محمد خدابنده صفوی است که پادشاهی ادب‌دوست، شاعر و دارای تخلص «فهمیم» بوده است. شاعر در زمان این پادشاه و در اصفهان میزیسته و به او ارادت داشته است:

عشاق را نواز که امروز در عراق گلبانگ کوس نوبت سلطان محمد است
(همان، بیت ۱۷۵)

به نظر میرسد موطن اصلی شاعر، تبریز است که بعدها در معیت سلطان محمد خدابنده صفوی، ساکن اصفهان میشود. او در اشعارش از غربت و دوری از وطن و اقوام، شکایت کرده است:

همچون مسیحی گرشدم دور از وطن، عیبم مکن آری کند عشاق را دور از وطن، آواره دل
(همان، بیت ۶۱۶)

من که بیگانه‌ام ز خویش و تبار، گو مگو خویش و آشنا، همه خوب
(همان، بیت ۷۲)

شاعر مدتی در همدان اقامت داشته‌است :

ساقی قدحی باده، که مُلک همدان است بی‌باده، مپندار که عاشق همه‌دان است
تبریز خراب است بده باده که حالا سرخاب سرشکم سوی بغداد روان است
(همان، ابیات ۲۲۹-۲۳۰)

از اشعار دیوان، چنین استنباط میشود که شاعر شناخت و تسلط کامل بر انواع خط و موسیقی داشته است: بنوشت دست حسن تو بالاتر از یاقوت، خط یارب ندانم از کجا، بگرفت این تعلیم را
(همان، بیت ۴۷)

منه به قول مخالف رباب را از چنگ نواز در ره عشاق بی‌نوا پرده
(همان، بیت ۹۱۱)

اشعار، زیبا و متقن است. شاعر گاه به تعریف از شعر خود میپردازد:

نظم جان‌بخشت مسیحی یا سخن یا معجز است یا دم عیسی است در وقت نفس، یا بوی دوست
(همان، بیت ۲۱۸)

مسیحی بسیار تحت تاثیر حافظ قرار دارد و اشعاری به تضمین از غزلیات وی سروده است:

دیدم در روز ازل، چون که در او بگشادم
مزرع سبز فلک دیدم و داس مه نو
چون به یک دانه در این دام اسیر افتادم
یادم از کشته خویش آمد و هنگام درو
(همان، ابیات ۷۵۲-۷۵۳)

حافظ از فضل خدا گشت مسیحی، در نطق
زانکه بر خال و خط وجه حسن قابل بود
(همان، بیت ۳۱۱)

در نهایت، با توجه به اشعار و اقامت شاعر در اصفهان به نظر میرسد، شاعر در همین شهر وفات یافته؛ ولی از محل دفن او اطلاعی در دست نیست و از آثار او تنها میتوان به دیوان مذکور اشاره کرد.

سبک‌شناسی اشعار مسیحی

در این قسمت، سبک اشعار مسیحی در سه سطح فکری، زبانی و بلاغی مورد بررسی قرار میگیرد. مسیحی در دیوان خود به ترتیب از بحر هزج (۴۹ بار)، مجتت (۳۶)، رمل (۳۵)، مضارع (۲۲)، رجز (۱۲)، خفیف (۹)، متقارب (۴) و سریع (۱) استفاده کرده است. دیوان شاعر از ۱۵۹ غزل، یک رباعی، سه قصیده در ستایش پروردگار و مدح امام علی (ع)، یک ترجیع‌بند، یک مخمس و یک مسمط تشکیل شده است. تمام غزلیات مسیحی دارای تخلص است؛ دو غزل ۱۵۸ و ۹۸ نیز به عنوان غزلیات ناتمام در دیوان مسیحی به چشم میخورد.

۱- سطح فکری: مضامین اشعار

- مضامین عاشقانه

دیوان مسیحی شامل ۱۵۹ غزل با مضامین عمدتاً عاشقانه، در توصیف معشوقی است که در اغلب موارد، مذکر است. سخن از عشق و شرح حال عاشق و دلدادگی از موضوعات بنیادین غزلهای مسیحی است.

گفتم که شدم زار به عشق تو، بکن رحم
کج کرد به خون ریختنم آن پسر، ابرو
(همان، بیت ۷۴۲)

احتمالاً معشوق، مسیحی است:

در خدمت تو زاهد و عابد چو مسیحی
گشتند به جان، بستۀ زَنار تو، هر دو
(همان، بیت ۷۳۴)

شاعر، یکرنگی در عشق را توصیه میکند:

هر که در راه عشق، یک روی است
بایدش ز این و آن قفا خوردن
(همان، بیت ۱۰۱۸)

«رقیب» با بسامد بالا، مورد نکوهش شاعر میباشد:

رقیب! هرزه چه گیری طریق بوالهوسی
که شیوه‌های چنین، مذهب محمد نیست
(همان، بیت ۲۴۰)

گاه عشق در تقابل با عقل، مورد تعریف و تفضیل قرار میگیرد:

شیوه عقل نباشد به ره عشق، پسند
عشق شاهی است که بر فیل زند، فرزین بند
(همان، بیت ۱۱۰۸)

واژگان ارگانومی (diction organomy) «توصیف اندام» نیز با بسامد بالا در توصیف زیبایی معشوق، قسمت عمده‌ای از تصویرسازیهای موجود در غزلیات را به خود اختصاص داده است.

رخ تو، طعنه‌ها بر یاسمن زد	سر زلف تو، پا بر مشک چین زد
(همان، بیت ۳۱۲)	
ابرویت بینم و دو دست بر آرم به دعا	زانک درگوشهٔ محراب، دعا خوش باشد
(همان، بیت ۳۶)	
سنبلِ خطّتِ چو از طرفِ گلستان رخ نمود	بلبل نطق مرا صدگونه دستان رخ نمود
(همان، بیت ۳۷۲)	
ای لب شیرین تو، برده ز شکر سبک	وز تف تاب رُخت، سوخته گل در عرق
(همان، بیت ۵۷۶)	

در غزلیات، عشق، اساس ساختار غزل است که به صورت کاملی، تجربیات عاشقانه را به تصویر میکشد.

مفاهیم اخلاقی و تعلیمی

از دیگر موضوعات مطروحه و شاخص در دیوان مسیحی، بیان پند و اندرز است. شاعر بسیار به اصول انسانی جامعه بشری، پایبند است:

- هر که بر وعدهٔ فردا، کند اندیشهٔ دل	همه دانند که در کندن جان است امروز
(همان، بیت ۴۷۴)	
- مسیحیا به در خانهٔ هوس، دیگر	چو عنکبوت مَتَن از سرِ هوا، پرده
(همان، بیت ۹۲۰)	
- خواهی مسیحی در جهان، باشی ز غم آسوده دل	چندان که بتوانی مگو سرّ درون با هیچکس
(همان، بیت ۵۰۹)	
- مسیحیا به عمل تکیه کن که قاضی عشق	به نیم جو نخرد علم را که نیست عمل
(همان، بیت ۶۰۶)	
- نشیمن همچو عنقا بر سرِ قاف قناعت کن	در این پستی چه میجویی، نشین بر عالم بالا
(همان، بیت ۹۹۲)	
- دل گفت دست عجز مبر پیش هیچکس	گر بشکند زمانهات از گیر و دار پای
(همان، بیت ۹۹۲)	

شاعر معتقد به «اختیار» است و جبر و قضا و قدر را نمیپذیرد:

- غیر از تو نیست فاعل مختار، هیچکس	نه جُرم ماه گیر و گناه ستاره بخش
(همان، بیت ۵۱۳)	

- مفاهیم عرفانی

شاعر با گرایش به عرفان، از مراحل و مفاهیم عرفانی چون «دوری از تعلقات دنیوی، معرفت الهی، بقا، فنا، یقین، توفیق الهی، عشق، مقام رضا، قناعت، فقر، تسلیم، عشق، شکر، وحدت، توحید، تحقیق» سخن گفته است. شناخت خود:

- ره به خود بردن مسیحی، ار بسی دشوار بود
شکر، از فضل الهی روی آسان رخ نمود
(همان، بیت ۳۷۸)

تسلیم و رضا:

- ره خطرناک و تویی مانده‌ی در همتِ خود
رخش تسلیم تو در صفّ رضا می‌لنگد
(همان: بیت ۱۱۱۰)

توفیق و یقین:

- چشم مرا به جوهر توفیق، سرمه‌بخش
گوش مرا ز درّ یقین، گوشواره‌بخش
(همان، بیت ۵۱۱)

- ما عارفیم و فخر در این راه، عار ماست
شام سیاه غم، شرفِ روزگار ماست
(همان، بیت ۸۴)

- ذوق توحید، اگر رسد به دلت
زهر در کام تو شود تریاک
(همان، بیت ۱۰۴۹)

شاعر میل و گرایش به تعلقات دنیوی ندارد و متمایل به پارسایی و عرفان است:

من که کردم دو جهان را به یکی جرعه، گرو
رستم از دنیی و عقبی، سخن راست شنو
(همان: بیت ۷۵۰)

اشعار بسیاری در دیوان مسیحی، تحت تاثیرحافظ، دربارهٔ ملامت قاضی، محتسب، شیخ و بویژه زاهد شهر بیان شده است:

ساقی در میخانه گشا باز، که ایام
قفلی به دل زاهد زرق نهد
(همان، بیت ۱۹۶)

محتسب ار زحد برون، جور کند، مسیحیا
فضل خداست همدمت، باده بنوش ولا تخف
(همان، بیت ۵۷۵)

قاضی و شیخ با هم، در بحر زرق غرق‌اند
آن از خیال فاسد، وین یک، ز فکر باطل
(همان، بیت ۱۸۶)

مدح و منقبت

در اشعار مسیحی، توحید، نعت باری تعالی، مدح پیامبر و توصیف معراج، مشهود است و بیشترین مدایح متعلق به شخصیت امام علی (ع) است که نام او در چند بیت به شکل «ایلیا» نیز آمده است؛ البته فضای متعصب از حضور شاهان شیعه دوره صفوی و توجه و تاکید بر خلافت و امامت علی(ع) نیز در این مورد، بی‌تاثیر نیست.

مدان امام، تو او را که عیب مردم جُست
مگر کسی که دریدنش از قفا، پرده
به هیچ روی کسی منکر علی نشود
(همان، ابیات ۹۳۲-۹۳۳)

دو قطعه دربارهٔ توحید و ستایش پروردگار، پیامبر اکرم (ص) و بویژه توصیف امام علی (ع)، یک ترجیع‌بند در بیان عشق الهی و یک مخمس و یک مسمط در بیان مقام معشوق الهی سروده است؛ البته مضامین مذکور، بیشتر جهت طبع آزمایی و یا احتیاط دینی است و عمدهٔ تبخّر مسیحی در باب سرایش غزل با مضامین عاشقانه و عارفانه، تحت تاثیر حافظ است.

مدح پیامبر (ص):

محمد عربی، آنک در شب معراج نشد حجاب میان وی و خدا، پرده
(همان، بیت ۹۲۲)

دو قصیده ۱۶۱ و ۱۶۲ در توصیف امام علی (ع) سوده شده است.

به هیچ روی کسی منکر علی نشود مگر کسی که دریدنش از قفا پرده
(همان، بیت ۹۳۴)

مرا ز مدحت تو صد هزار تشهیر است اگر ز جهل کند ناصبی قبا پرده
(همان، بیت ۹۴۴)

تنها پادشاهی که شاعر از او در اشعارش، نام برده، سلطان محمدخدابنده است و در کل، شاعر، مداح پادشاهان و شاعر درباری نیست.

عشاق را نواز که امروز در عراق گلبانگ کوس نوبت سلطان محمد است
(همان: بیت ۱۷۵)

- مضامین رندانه

منظور ما از مضامین رندانه، مضامینی است که به ظاهر با آموزه‌های دینی و اخلاقی ما سازگار نباشد؛ به عبارت دیگر نمادهایی چون مسجد و توبه و زهد و... در برابر نمادهایی چون شراب، میخانه، می و معشوق، زَنار... قرار میگیرد.

مسیحی شد مقیم کوی عشقت که پشت پای بر خلد برین زد
(همان، بیت ۳۱۶)

من که زَنار را شدم فتراک من و تسبیح زاهدی حاشاک
(همان، بیت ۱۰۴۵)

به می ناب بشو نقش خیالات ازدل تا چو زاهد نشوی روز حساب، آلوده
(همان، بیت ۸۳۶)

نیست عیب ار شد مسیحی از در مسجد به دیر گو میان بت پرستان باش و ترسای دگر
(همان، بیت ۵۳۵)

گرایش به افکار خیامی، چون شراب نوشی و خوشگذرانی و... نیز در اشعار مسیحی مشهود است:

دلا به دردی دن، جام جان مصفا کن که کاسه سر جم چون پیاله، خاک و سبوست
(همان، بیت ۱۰۰)

۲- سطح زبانی

-وزن (موسیقی بیرونی)

در فرهنگ اصطلاحات ادبی، «وزن» را اینگونه تعریف کرده‌اند: نوعی تناسب در اصوات است که معیار سنجش موسیقی شعر میباشد و تناسب کیفیتی است، حاصل از ادراک وحدتی در میان اجزای متعدد. وقتی تناسب در مکان رخ میدهد آن را قرینه گویند و اگر در زمان واقع شود، وزن میخوانند. (سیماداد، ۱۳۸۰، ۲۱۱)

بدیهی است عوامل سیاسی و اجتماعی و حتی اقتصادی با تاثیر بر روحیه شاعر، بر انتخاب اوزان شاد و ضربی یا ملایم و حزن انگیز، تاثیرگذار بوده است؛ بویژه آنکه مسیحی در دوره نابسامان سلطان محمد خدابنده میزیست؛

ولی با اینحال غزل‌سرایی، عرصه هنری مسلم اوست؛ در نتیجه به ترتیب بحر دلنشین، آرام و عاشقانه «هزج مسدس محذوف، هزج مثنی‌اخرب مکفوف و هزج مثنی‌مکفوف محذوف» بالاترین بسامد (۴۷ غزل)، اوزان ضربی و تند در بحر «رمل مثنی‌مشکول» و بحر رمل با معانی شور انگیز و پُر جذب و حال عرفانی «رمل مثنی‌مخبون، رمل مثنی‌محذوف» (۳۵ غزل)، اوزان نرم و سنگین در معنی هجران و گله و شکایت در بحر «مجتث‌مخبون محذوف اصلم» (۳۵ غزل)، اوزان برهانی و جدلی، مناسب معانی اخلاقی و تعلیمی در بحر «مضارع‌اخرب مکفوف مطموس» (۲۳ غزل)، وزن ضربی و تند در بیان مضامین عرفانی در بحر «رجز مثنی‌مطوی‌مخبون» (۱۲ غزل)، و در نهایت بحر خفیف (۸ غزل، متقارب (۲۴ غزل) و اخرب (۳ غزل) و سریع (۱ غزل) به کار رفته است. اوزان مهجور یا غریب و نادر در دیوان مسیحی به چشم نمی‌خورد.

موسیقی کناری

ردیف:

ردیف به واژه‌هایی گفته می‌شود که عینا و با تکرار در آخر ابیات و گاه پس از قافیه می‌آید. «ردیف تنها یک پیرایه نیست و نقش آن در شعر فارسی مهمتر است؛ چنانکه حدود هشتاد درصد غزلیات خوب فارسی، ردیف دارند و اینکه غزلی بدون داشتن ردیف موفق شود، دشوار است.» (شفیعی‌کدکنی، ۱۳۹۹، ص ۵۹)

ردیف‌های موجود در اشعار مسیحی مفرد است و به ندرت از ردیف مرکب و جمله استفاده کرده است. ردیف‌های فعلی با (۶۲ غزل)، اسمی (۳۲ غزل)، ضمیر (۱۱ غزل) و حرف (۱۰ غزل) و ۳۷ غزل نیز بدون ردیف است؛ بنابراین میتوان گفت، در کل ردیف‌ها ساده، مفرد و بیشتر فعلی است؛ مانند: انداخت، می‌آورد، نداشت، بیندازد، نخواهد آمدن، اندازی، نگه‌دار، آید، دادند، چیست، بود، زد، دارد، نویسند، نکرد، می‌آید ...

دلی که در خم زلف بتان، مقید نیست به نزد اهل نظر دولتش موید نیست (نسخه خطی، بیت ۲۳۶)

از آنجا که ردیف به آهنگ کلام کمک می‌کند و زمینه‌ساز استفاده از صور خیال است، وجود ۳۷ غزل بدون ردیف از جنبه آهنگین کلام وی کاسته است؛ البته شاعر با صراحت از دشواری کاربرد ردیف در شعر سخن گفته است: پیچیده‌ام به مدح تو دست کمال را گرچه به زور کرد ردیف اختیار پای (همان، بیت ۹۸۷)

قافیه:

از آنجا که نبود ردیف، با قافیه جبران می‌شود؛ تنوع حروف قافیه در اشعار مسیحی، از عوامل موثر در حفظ نظام موسیقایی شعر اوست. نیما که خود در تحول شعر سنتی به نو، نقش اساسی دارد، در ارزشمندی قافیه می‌گوید: «شعر بی‌قافیه مثل آدم بی‌استخوان است، هنر شاعری در قافیه‌سازی است و قافیه مال مطلب است؛ زنگ مطلب است.» (طاهباز، ۱۳۶۸، ص ۱۰۳)

«در زبان فارسی، تعداد واژه‌هایی که میتوانند در جایگاه قافیه قرار بگیرند، زیاد است و از میان ساختهای قافیه، بیشترین ساخت را: ار، ان، ره، او... به خود اختصاص داده است.» (نیکوبخت، ۱۳۹۴، ص ۵۷) در اشعار مسیحی، تمام قالب‌های شعری با بیت مصرع آغاز میشوند و قوافی به ترتیب بیشترین بسامد، عبارتند از: ان، ار، اب، ات، -ن، ین، -ل، -ر، است، -ب، -ت، ...

دل حدیث لعل تو، چون بر زبان می‌آورد
 باز آب زندگانی در دهان می‌آورد
 (نسخه خطی، بیت ۳۳۷)

چشم‌ت که به مردم همه در عین عتاب است
 مستی است که در گوشه محراب به خواب است
 (همان، بیت ۱۰۳)

دلا چو چشم بتان، مست و بی‌ریا میباش
 میان بحر غم عشق، آشنا میباش
 (همان، بیت ۵۲۲)

موسیقی درونی:

«تناسبی است که بر اثر وحدت یا تشابه موجود در صداهای صامت و مصوت کلمات شعر به وجود می‌آید. یکی از راههای ایجاد موسیقی درونی در شعر، به کار بردن انواع جناس است» (میرصادقی، ۱۳۸۵، ص ۳۰۲). «عمده‌ترین تمهیدات موسیقی درونی انواع سجع، موازنه، تکرار صامت و مصوت، تکرار واژه، تصدیر و غیره است و نیز موسیقی درونی به وسیله تضاد و مقابله و ... مورد بررسی قرار می‌گیرد. (شمیسا، ۱۳۷۲، ص ۱۵۳)

- **تکرار:** «از آرایه‌های ادبی است که به معنی دوباره یا چندباره آوردن واژه‌ای است؛ به گونه‌ای که بتواند بر موسیقی درونی بیفزاید و تاثیر سخن را بیشتر سازد». (صابری، ۱۳۹۱، ص ۳۹) مسیحی در اشعار خود به وفور از آرایه تکرار به جهت آهنگین کردن اشعار خود استفاده کرده است.

زان غُصّه غُصّه، غُصّه مجنون حکایتی
 زین قِصّه قِصّه، قِصّه لیلی است نیم‌باب
 نوش تو وعده وعده و هر وعده البعید
 نیش تو لحظه لحظه و هر لحظه عتاب
 (نسخه خطی، ابیات ۶۶-۶۷)

همحروفی: هرگاه واج صامت در یک جمله با بسامد زیاد تکرار شود، همحروفی به وجود می‌آید، ممکن است تکرار به صورت منظم باشد و یا غیرمنظم و پراکنده. (شمیسا، ۱۳۹۸، ص ۷۳) اشعار مسیحی مملو از این نوع تکرار است و از بین صامتها، حروف

«ش، س، ن، ر، د، ز، ب، ل» بسامد بیشتری دارد.

به زور و زاری و زر، کی شود میسر کار
 نیاز خویش نما، گرد هر مزار مزار
 (نسخه خطی، بیت ۴۴)

دلا چون نی چه نالی، دم نگهدار
 تو سر خود ز نامحرم نگهدار
 (همان، بیت ۴۱۴)

همصدایی (تکرار مصوت): «همصدایی تمهیدی سبک‌شناسی است مشتمل بر تکرار مصوتهای همانند در واژه‌های نزدیک که معمولاً در هجاهای تکیه‌دار رخ میدهد همصدایی تأثیری منسجم دارد؛ زیرا صداها اگر در فاصله‌ای نزدیک به یکدیگر پدیدار شوند، واژگان را به هم گره می‌زنند. همصدایی برای تأکید و تأثیرات یادسپار به کار گرفته میشود و همواره به عنوان ابزار برجسته سازی در شعر و شاعری استفاده میشود.» (نورگوا، ۱۳۹۴، ص ۹۶) «مصوتهای به دو نوع کوتاه و بلند تقسیم شده‌اند. مصوتهای بلند بیش از مصوتهای کوتاه بر آرامش و وقار دلالت دارند و مصوتهای کوتاه، حاکی از حرکت سریع و ابراز هیجانات هستند. (وحیدیان کامیار، ۱۳۷۵، صص ۲۸-۳۰) در اشعار مسیحی، مصوت بلند(ا) بالاترین بسامد را در ایجاد همصدایی دارد.

در خرامیدن، بلای قامت و بالای تو
 صدشکن در کار سیر و بوستان می‌آورد
 (نسخه خطی، بیت ۳۳۸)

- تصدیق:

ردالصدر الی العجز: «یکی از صنایع لفظی بدیع و آن تکرار آخرین کلمه بیت است در اول بیت بعد». (همایی، ۱۳۶۱، ص ۷۰) این نوع تکرار ۸-بار - در اشعار مسیحی بکار رفته است:

وقت صلات دید قد او، امام را از دست رفت هوش، چه پروای قامت است
تا سرو را به قامت او وصف کرده‌ایم اکنون میان باغ به صد استقامت است
(نسخه خطی، ابیات ۱۴۵-۱۴۶)

ردالعجز علی الصدر: آریه‌ای از صنایع لفظی بدیع و آن وقتی است که کلمه‌ای که در اول بیت آمده، عینا در آخر بیت تکرار شود. این دو کلمه، گاه هر دو دارای یک معنی هستند و گاه از نظر شکل و تلفظ یکی و در معنی متفاوتند که در این مورد، نوعی جناس نیز بکار رفته است. «(همان، صص ۶۷-۶۹) این نوع تکرار با بسامد بالا - بیش از ۴۷ بار - در اشعار مسیحی به کار رفته است.

بر قصد خونم دم به دم، با تیغ بازی می‌کنی ترسم به بازی ناگهان یک روز در بازی مرا
(نسخه خطی، بیت ۴۰)

ج-جناس: «یا تجنیس در لغت به معنی گونه‌گون کردن است و در اصطلاح بکار بردن کلماتی است که در بعضی حروف به نوعی با یکدیگر اشتراک داشته باشند» (میرصادقی، ۱۳۸۵، ص ۱۰۷). در اشعار مسیحی، کاربرد جناس بدون توجه و تعمد و تنها بر حسب طبیعت موسیقی و آهنگی است که در ذهن شاعر، ایجاد تتابع کلمات با صداهای مشترک شده است از بین انواع جناس، بیشترین استفاده به ترتیب: جناس شبه‌اشتقاق، جناس لاحق، جناس مطرف، جناس زاید، جناس تام مستوفی، جناس تام مماثل، جناس مرکب مقرون، جناس مذیل و... میباشد. کاربرد زیاد جناس شبه‌اشتقاق، نشاندهنده تسلط شاعر بر زبان فارسی و دایره وسیع واژگان و جناس لاحق نیز بر ایجاد موسیقایی و ریتم شعر افزوده است.

در بیت زیر میان واژه‌های «اثر، اثر» جناس شبه‌اشتقاق است.

خواهم کشم به سوز تو آهی ز دل؛ ولی ترسم کند ز آن دل نازک اثر، اثر
(نسخه خطی، بیت ۴۵۲)

در کل استفاده بسیار زیاد مسیحی از انواع جناس، بر زیبایی و بُعد موسیقایی شعرا و افزوده است.

-سجع: «در لغت به معنی آواز کبوتر و در اصطلاح آن است که در پایان دو جمله، کلماتی به کار ببرند که از نظر وزن یا قافیه یا هر دو با یکدیگر یکسان و هماهنگ باشند. این کار را تسجیع و این نوع سخن را مسجع و جمله‌های مشابه را قرینه می‌نامند». (شفیعی کدکنی، ۱۳۹۸، صص ۱۱۲-۱۱۶). «سجع زمانی ارزشمند و درخور توجه است که کلمات آن پسندیده و الفاظ در خدمت معانی و دور از تکلف و پیچیدگی باشد». (شفقت، مستعلی پارسا، ۱۴۰۳، ص ۱۸۷) مسیحی از بین انواع سجع، به ترتیب از سجع متوازی، سجع متوازن و در نهایت سجع مطرف استفاده کرده است؛ بدیهی است، سجع متوازی با بسامد بالا، بر جنبه موسیقایی و جذابیت شعر میافزاید.

ای لب شیرین تو، برده ز شکر سبق وز تف تاب رخت سوخته گل در عرق
(نسخه خطی، بیت ۵۷۶)

سوخت دل ز آتش غم، به تمنای لبش کس ندیده است چنین سوخته خام طمع
(همان، بیت ۵۵۴)

۳- ویژگیهای لغوی

«واژه» کوچکترین دسته معنادار از واژه‌هاست، اگر بتواند، به تنهایی بکار رود. (میرشکاری، ۱۳۹۶، ذیل سرواژه‌ی واژه) واژه‌ها علاوه بر آهنگین کردن کلام، خود نوعی زبان القای مفاهیم است؛ بنابراین واژگان زبان از نظر توانمندی یکسان نیستند. بررسی لغوی اشعار مسیحی به شرح زیر است:

- **واژه‌های انتزاعی و حسی:** «واژه‌هایی که بر عقاید، کیفیات، معانی و مفاهیم ذهنی دلالت دارند، انتزاعی‌اند و واژه‌هایی که بر اشیای واقعی و محسوس دلالت دارند، عینی و حسیند. غلبه واژه‌های عینی در برابر ذهنی، سبک متن را حسی می‌کند و کثرت واژه‌های ذهنی موجب انتزاعی‌شدن سبک میشود. شفافیت سبک ادبی و تأثیر هنری آن ناشی از غلبه واژه‌های حسی است و تیرگی و ابهام سبک، محصول بسامد بالای واژه‌های ذهنی است.» (فتوحی، ۱۳۹۱، ص ۲۵۱) بسامد واژه‌های حسی و عینی در غزل‌های مسیحی زیاد است؛ در نتیجه غزلیات به روشنی و شفافیت، نزدیکتر است. ذهن حسی‌نگر و عینی‌گرای شاعر، مضامین عاشقانه او را در غزلیات، قابل فهم، دلچسپ و منطبق با جهان واقعیت ساخته است؛ البته در بسیاری از ابیات هم مفاهیم انتزاعی با واژه‌های حسی، همراه میشود و تصویری عینی از احساسات و عواطف به مخاطب ارائه میدهد؛ بدیهی است ترکیب و تلفیق واژگان حسی انتزاعی، شکل هنری‌تری در ساختار صوری شعر ایجاد میکند.

مفاهیم حسی: ای لب شیرین تو، برد ز شکر سبق
وز تف تاب رخت سوخته گل در عرق
(نسخه خطی، بیت ۵۷۶)

حسی - انتزاعی: من که هر شب ز آتش هجر تو گریانم چون شمع / بر امید وصل تو، تا روز خندانم چو شمع (همان، بیت ۵۵۸)

مسیحی در قطعات، قصاید و ترجیع‌بند، مخمس و مسمط با مضامین توحید، عرفان و مسائل تعلیمی، بیشتر از واژه‌های انتزاعی استفاده کرده؛ چراکه مفاهیم فرا_طبیعی و اخلاقی، واژه‌های انتزاعی را میطلبد؛ لذا سبک غیرنمایشی و مبهم در این اشعار ایجاد میشود.

چو رفت صبر دل از دست، بیقرار شدم
چه سود ناله زیر و زیر که زار شدم
(نسخه خطی، بیت ۱۰۶۹)

- **رمزگان:** از اصطلاحات کلیدی نشانه‌شناسی است؛ نشانه‌شناسی، علمی در پی مطالعه منظم و سامانمند مجموعه عوامل موثر در تاویل و ظهور نشانه‌هاست (ضمیران، ۱۳۸۳، ص ۷). زبان بزرگترین و پیچیده‌ترین رمزگان است؛ زیرا همه رمزگانهای دیگر از جمله رمزگان آداب، پوشاک، غذا، نظامهای حرکتی و غیره، به واسطه زبان قابل توصیف است (سجودی، ۱۳۸۷، ص ۱۵۰).

- دسته اول از رمزگان واژه‌های مرتبط با شریعت اسلام و دین مسیحیت است؛ چون: بیت‌الاحزان، لیل‌القدر، کفر، ایمان، توحید، زهد، بشیر، رمضان، دعا، خدا، سوره والیل، کعبه، حاجیان، خلدبرین، مصحف، عابد، قبله، فقیه، محراب، چلیپا، زار، صومعه، ترسا، موبد، مغبچه، مغان، دیر، ایلیا، مسیحی... بالاترین رمزگان را به خود اختصاص داده و این امر مرتبط با بزرگترین رویداد زندگی شاعر مبتنی بر تغییر دین مسیحیت به دین اسلام است.

- دسته دوم واژه‌های رمزگان عرفانی و مربوط به طریقت است؛ چون: صوفی، سالک، سلوک، عالم تحقیق، یقین، خانقہ، خرقه، درویش، آب حیوان، خضر، پیر مغان، قلندر، کرامات، بقاء، فنا، خوف...؛ بسامد بالای این دسته از واژگان نشان میدهد شاعر به عرفان و تصوف آگاهی داشته است.

-دسته سوم رمزگان خراباتی است؛ چون: ساقی، خمار، دیر مغان، شاهد، دُر، باده، جام، خمخانه، راح، میکده، قدح، صراحی، خرابات، میخانه، سبو، پیاله، میکده... با توجه به فراوانی رمزگان مذکور، میتوان گفت مسیحی تحت تاثیر حافظ، افکار و واژگان رندانه او قرار دارد.

- **واژه‌های عامیانه، اما شکوهمند:** مسیحی تحت تاثیر سبک عراقی و به عنوان فردی آگاه و مسلط به زبان فارسی، از واژه‌های فاخر در اشعار خود استفاده میکند؛ ولی از آنجا که در دوره صفوی، شعر میان اقشار مختلف مردم راه یافت، بسیاری از عبارات و واژه‌های عامیانه و محاوره‌ای، مجال راهیابی به شعر و ادبیات را یافتند؛ از این رو در دیوان اشعار مسیحی نیز با بسامد پایین، این واژه‌ها دیده میشود:

رخی تو طعنه‌ها بر یاسمن زد سر زلف تو، پا بر مشک چین زد (نسخه خطی، بیت ۳۱۲)

- **ترکیب‌های اسمی جدید:** بخش عمده‌ای از سرشت یک سبک را نوع‌گزینش واژه‌ها میسازد و بسیاری سبک را، هنر واژه‌گزینی میدانند و در کار شناخت سبک، بیش از هر چیزی، چشم بر واژه‌ها دوخته‌اند (فروزنده، بنی طالبی، ۱۳۹۴، ص ۲۹۱). یکی از راه‌های تقویت دایره واژگان و تاثیرگذاری شعر، ساخت واژگان جدید است و به قول صورت‌گرایان روسی از عوامل خارج کردن زبان از حالت اعتیادی آن، ساختن ترکیبات است، ترکیب ممکن است به‌گونه‌ای باشد که در خواننده ایجاد شگفتی و آشنایی‌زدایی کند (شفیعی‌کدکنی، ۱۳۹۸، ص ۱۲۸). مسیحی در اشعار خود با استفاده از ترکیب‌های جدید، بر جذابیت و اثرگذاری اشعارش میافزاید.

شیخ شهر ار کرد با ما خرده‌گیری بی‌طریق خواست تا ورزد بزرگی، هیچ اسبابی نداشت

(همان: بیت ۱۸۶)

لعل لب تو گر بدهد کام من، چه دور دارد همیشه حق نمک بر بشر، بشیر

(همان: بیت ۴۵۴)

چو بر تو خرده‌ای رفته است، باری طریق **بازآوردی** نداری

(همان: بیت ۸۷۳)

گر مسیحی کرد در راه تو **نادریشیی** پاک می‌سازد به آب دیده، راه خویش را

(همان: بیت ۲۴)

درا به میکده با عاشقان **نشست‌آور** سری به خاک مرا و نیاز پست‌آور

(همان: بیت ۱۰۷۷)

آشوب شهری، شوخ بلایی اندک‌سانی، بسیاردانی

(همان: بیت ۸۶۸)

بررسی ابیات نشان میدهد مسیحی بر دایره واژگان تسلط دارد. از کلمه‌های عربی با بسامد بالایی استفاده کرده است: آحادث، ارقاب، تأویل، تشتهیر، حارث، صلات، صفوت، کالانعام، مصحف، دارالقرار، بیت‌الاحزان، مفتی، ليله القدر... واژه‌های کهن به ندرت دیده میشود: توزه، صعوه، قایم، مُدغم، مُکاری.

از واژه‌های خاص سبک خراسانی به ندرت استفاده شده است. واژه‌هایی مانند: «اشکسنه، نیماستد، اسپرد»

مسیحی دل به دست زلفت اسپرد اگر جان هم سپارد جای آن است

(همان: بیت ۱۲۸)

۴- ساختار دستوری (نحوی)

-در زبان فارسی، ساختار جمله به ترتیب (فاعل، مفعول و فعل)، است گاه به منظور تاکید، اجزای کلام جایجا میشوند که لطمه ای به اصل پیام نمی‌زند؛ بلکه بر رسایی و قوت متن میافزاید. در اشعار مسیحی، معمولاً هر مصرع، یک جمله کامل است و فراوانی تقدم فعل بر سایر اجزای جمله، بر تاثیرگذاری شعر افزوده است.

کردم طواف کعبهٔ جان، از صفا، دانسته‌ام مقصود دل سوی تو بود از قبله، ابراهیم را
(همان، بیت ۴۶)

تا شد به صدر سینه‌ام، سرّ غمت را دسترس خالی نیم بی‌نام تو در گوشه دل یک نفس
(همان، بیت ۵۰۵)

وجهیت یا مدالیت، یکی از مسائل مورد توجه در بررسی سبکی نحوی است و وجهیت، تعیین‌کننده میزان قطعیت، اطمینان و باور گوینده است. وجهیت به گونه آشکار، در فعل جمله نمود پیدا میکند و از روی فعل میتوان به وجه جمله پی برد و وجه فعل «صورت یا جنبه‌هایی از آن است که بر اخبار، احتمال، امر، آرزو، تاکید، امید و برخی امور دیگر دلالت میکنند» (فرشیدورد، ۱۳۸۲، ص ۳۸۱). در اشعار مسیحی و در بین انواع وجه فعل، بیشترین بسامد، به ترتیب به وجه خبری، وجه التزامی، وجه امری و در نهایت وجه پرسشی اختصاص دارد.

وجه خبری: منظور جملاتی است که به وقوع کار یا حالتی دلالت دارد. بالاترین بسامد جمله های دیوان شعر مسیحی دارای وجه خبری است:

به یکی خنده جانپروور ساقی، حل شد کشف هر نکته که بر واعظ ما مشکل بود
(نسخه خطی، بیت ۳۰۹)

وجه التزامی: هر گاه وقوع کاری به گونه شرط، دعا، نفرین، فرمان، توصیه، حدس و گمان، شک، خواهش و امثال آن بیان گردد، فعل جمله را از وجه التزامی انتخاب مینمایند. (ارژنگ، ۱۳۷۴، ص ۱۴۳)

گر تو میخواهی که روشن گرددت احوال دل یک شبی بنشین به خلوت، بازبنشانم چو شمع
(نسخه خطی، بیت ۵۶۲)

وجه امری: هر گاه در جمله به انجام یا عدم انجام کاری، دستور داده شود، جمله دارای وجه امری است. در دیوان مسیحی استفاده از وجه فعلی امری در درجه سوم قرار دارد:

گذار زهد مسیحی، به جام عیش، می‌آر میار عذر، گذر کن ز دهر، راه گذار
(همان، بیت ۴۱۳)

وجه پرسشی: جمله‌های پرسشی از روی آهنگ یا ادات پرسشی موجود در جمله، شناخته میشوند، حداقل استفاده در اشعار مسیحی، از وجه پرسشی است:

گویی که مسیحی، دل ریش تو، که برده است؟ تو بُرده‌ای ای جان، من حیران به که گویم؟
(همان، بیت ۶۵۷)

مسیحی تحت تاثیر سبک عراقی از برخی ویژگیهای آن سبک استفاده کرده است؛ مانند:

-ضمیر متصل مفعولی بسامد بالایی دارد:

مخوان به سوی بهشتم که ساغر و کوثر به کنج میکدهٔ ما حدیث جام و سبوست
(همان: بیت ۹۴)

- جمله‌ها کوتاه و روشن هستند که نشان‌دهنده سرعت اندیشه و باعث هیجان انگیزی کلام میشود.

گر کسی را دل به هر جایی کشد / میکشد ما را دل و جان سوی تو
(همان: بیت ۷۲۶)

- واژه «روان» تحت تاثیر سبک عراقی، در نقش قیدی و به معنی «زود» آمده است:

جستم از شوق و روان، جام نهادم بر سر / دامن خرقة به می شد ز شتاب، آلوده
(همان: بیت ۸۳۴)

جان، روان چو داد مسیحی به یاد تو / گر آورد به من ز تو سوی خبر، خبیر
(همان: بیت ۴۵۶)

۵- سطح ادبی و بلاغی

منظور از سطح بلاغی سخن، صنایع لفظی، معنوی، آرایه‌های بیانی و شیوه‌های ادای سخن است که هم بر زیبایی و حس ظاهری سخن می‌افزایند و هم بر موثریت معنوی و میزان برانگیزندگی آن تاثیر دارند و بررسی و تحلیل معناهای ثانوی و مجازی که واژه‌ها، صنعت‌های بیانی نظیر تشبیه، استعاره، کنایه و نمادپردازی و مسایل بدیعی از قبیل ایهام، تناسب تلمیح و در مجموع به کاربردهای هنری واژه‌ها و جمله‌ها و نیز رعایت جنبه‌های بافتی کلام و مقتضای حال مخاطب مثل ایجاز، اطناب، قصر و حصر را تشکیل میدهند؛ البته این سطح را آقای شمیسا به نام سطح ادبی یاد کرده است (شمیسا، ۱۳۷۲، ص ۱۵۸).

مسیحی با انواع صور خیال، آرایه‌های ادبی، مضمون‌آفرینی، تصویرسازی و انواع جناس ... و با تسلطی که برفنون بلاغی و ادبی داشته، شعر خویش را هنری‌تر کرده است.

a - تشبیه: مرکز اغلب صورتهای خیال، تشبیه است و صورتهای ویژه خیال از قبیل تمثیل، استعاره، تشخیص و حتی کنایه یا صورتهای دیگر بیان، در حقیقت از یک تشبیه پنهان یا آشکار، مایه گرفته است؛ به همین سبب قدرت تخیل شاعر تا حد بسیار زیادی در کشف پیوند شباهت میان اشیاء آشکار میشود (پورنامداریان، ۱۳۶۴، ص ۷۳). مسیحی در اشعار خود بسیار از تشبیه بویژه تشبیه جمع، بلیغ و بیشتر تشبیه‌ها حسی به حسی است بیش از ۱۲۳ مورد تشبیه در اشعار مسیحی شناسایی شد:

تشبیه: خال مشکینت که ماوا ساخت بر لعل لب / میکند همچون مگس بر گوشه شکر، شکار (همان: بیت ۴۴۷)
تشبیه جمع: عابد اگر به قبله کل کرد روی دل / عژی مگر به هرزه پرستید لات را (همان: بیت ۱۰)
تشبیه: جان من! دُر میچکانی از دهن در هر حدیث / یا دم عیسی است لعل دلکشت را در حدیث (همان: بیت ۲۵۰)

تشبیه: گوشه‌ای گیرم ز چشم مست تو، گفتم؛ ولی / تیر مژگان در کمان ابروان می‌آورد (همان: بیت ۳۳۹)
- استعاره: کارآمدترین ابزار تخیل و به اصطلاح ابزار نقاشی کلام است (شمیسا، ۱۳۷۰، ص ۱۴۲). استعاره بسیار هنری‌تر از تشبیه است (علوی‌مقدم، اشرف‌زاده، ۱۳۷۹، ص ۱۱۷). استعاره از نظر لغوی به معنی عاریت‌گرفتن است و در اصطلاح، لفظی است که در غیر معنی حقیقی خود به کار میرود. استعاره به نوعی مجاز استعاری است؛ زیرا علاقه بین معنی حقیقی و مجازی، مشابهت است و از آن حیث که تنها مشبه یا مشبه به بیان میشود، به نوعی تشبیه محذوف است. در دیوان مسیحی، استعاره با بسامد ۴۵ مورد، نسبت به تشبیه، کمتر است.

استعاره: ساقیا نو بهار شد، برخیز / آتش تر در آب خشک بریز (همان: بیت ۴۸۳)

استعاره: تا سنبل مشکین تو زد گرد قمر، پیچ / خورشید شد از تاب مه روی تو در پیچ (همان: بیت ۲۵۷)

-**کنایه:** در لغت به معنی پوشیده سخن گفتن است و منظور، ایراد لفظ و اراده معنی غیر حقیقی آن، به صورتی که بتوان معنای حقیقی آن را نیز اراده کرد (علوی مقدم، اشرف‌زاده، ۱۳۷۹، ص ۱۳۳) مسیحی بیش از ۸۶ مورد کنایه در اشعار خود بکار برده است:

چون نیست بی تو بخت من ناتوان، سفید
شد زانتظار روی توام، چشم جان سفید
(نسخه خطی، بیت ۳۰۰)

در عشق گناهام ننویسند ملائک
دانند که بر عشق و مجنون، قلمی نیست
(همان، بیت ۱۷۸)

-سایر آرایه‌های بدیعی

-**تضاد:** یا طباق به معنی دو چیز در مقابل هم و واژه‌هایی که از لحاظ مفهوم با هم تضاد دارند. در شعر مسیحی، تضاد بسیار بکار رفته؛ به گونه‌ای که ایجاد آرایه مقابله نیز نموده است.

شربت وصل تو تریاک حیاتم بخشید
زهر هجران تو زینگونه اگر قاتل بود
(همان، بیت ۳۰۷)

بیش از این با من درویش، ره جنگ مزین
که میان شه و درویش، صفا خوش باشد
(همان، بیت ۳۶۶)

-**تناسب:** کلماتی را در شعر یا نثر بیاورند که به نوعی یکدیگر را تداعی کنند؛ یعنی از نظر مشابهت، ملازمت، همجنس بودن.. بین آنها ارتباط و تناسبی باشد. مراعات النظیر به خاطر ارتباط معنوی بین کلمات، باعث ایجاد موسیقی معنوی در کلام و مایه زیبایی و عمق شعر میشود (میرصادقی، ۱۳۸۵، ص ۲۷۷)

-**ایهام تناسب:** این آرایه، با بسامد زیاد در اشعار مسیحی به صورت مشخصه سبکی درآمده است.

به زیر پای خیالش ز مردمی، چشمم
ز بحر خویش به دامن گهر بیندازد
(نسخه خطی، بیت ۴۱۹)

از روی تیغ عشق، مسیحی، میبچ سر
از جان بشوی دست، روان پیش‌دار
(همان، بیت ۴۰۱)

به هیچ باب مسیحی هوای کعبه نکرد
کز آستانه تو، مروه را هزار صفاست
(همان، بیت ۱۱۸)

-**اغراق، غلو، مبالغه:** در اصطلاح، افراط و زیاده‌روی در توصیف کسی یا چیزی یا حالتی را گویند که باعث تاثیرگذاری بر مخاطب شود. شاعران ایرانی به نسبت شاعران عرب، بسیار به این آرایه توجه کرده و آن را نشانه ذوق هنری شاعر میدانند؛ البته مسیحی در غزلیات و در توصیف معشوق و درد هجران یار، با استفاده از این آرایه، بر جذابیت شعر افزوده است:

ای ترک من به راه، عنان را کشیده‌دار
ترسم شود ز آب دو چشمم رکاب، تر
(همان، بیت ۴۳۵)

-**تلمیح:** در اصطلاح فن بدیع آن است که در ضمن کلام به داستانی، مَثَل، آیه، حدیث یا حادثه‌ای معروف اشاره کند. «استفاده از تلمیح، نشانه وسعت اطلاعات و غنای فرهنگی شاعر است و بر لطف و عمق شعر میافزاید». (میرصادقی، ۱۳۸۵، ص ۱۰۲) تلمیح به معنی اشاره به آیات روایات، وقایع تاریخی و حتی فرهنگ عامیانه، عقاید و

آداب و رسوم خاص پیشینیان است. مسیحی در دیوان خود به شخصیت‌هایی چون «ابراهیم، ایلبا، جبرئیل، جمشید، حافظ، حسن، حیدر، خسرو، خضر، دارا، ذوالحمار، سکندر، سلطان محمد، سلیمان، شیرین، عمر و عاص، فرهاد، فریدون، قارون، کیخسرو، لیلی، مجنون، منصور، موسی، غرود، نوح، یاقوت، یوسف» اشاره کرده و این بسامد بالای تلمیح، بیانگر آگاهی وسیع شاعر در جنبه‌های مختلف دینی، آیات، احادیث و شخصیت‌های دینی و سیاسی و تاریخی است.

سر بر زند از جبه تو سرّ انا الحق منصور صفت گر کشی از خویش جدایی
(نسخه خطی: بیت ۸۹۰)

- هو معکم اینما کنتم:

میروی کوی به کو در طلب او، هیپات اوست همراه تو و تو شده از خود غافل
(همان: بیت ۵۹۵)

میخواست آب روی که سرچشمه خضر دیروزه کرد از لب آب حیات را
(همان: بیت ۹)

به هیچ باب، مسیحی هوای کعبه نکرد کز آستانه تو، مروه را هزار صفاست
(همان: بیت ۱۸)

- من عرف نفسه فقد عرف ربه:

ساقی ما، به کاسه‌ای بی‌خبرش کن از جهان تا بیزد به دیگ سر، خواجه هوای من عرف
(همان: بیت ۵۷۲)

- تصویرسازی

«تصویر به مجموعه تصرفات بیانی و معمایی از قبیل تشبیه، استعاره، اسناد مجازی، کنایه و... اطلاق می‌شود.» (شفیعی کدکنی، ۱۹: ۱۳۹۹) از آنجا که شاعر، نخست دارای دین مسیحیت و سپس به اسلام گرویده است، با واژه‌های خاص آیین مسیحیت در تصویرسازی اشعار خود بهره جسته است؛ واژه‌هایی چون: «چلیپا، زَنار، مسیح، صومعه، ایلبا، عیسی، دیر، ترسا، مسیحا، مغبچه، ...»

در میکده مسیحی، از بهر جرعه‌ای می کرده گرو چلیپا زَنار پاره پاره
(نسخه خطی: بیت ۸۲۴)

از صومعه چون رخت به در بُرد مسیحی سجاده تقوا به خرابات فکنده است
(همان: بیت ۱۱۱)

ما و حریف میکده در دور چشم مست تو زهاد و کنج صومعه در بند پنداری و بس
(همان: بیت ۵۰۴)

- ضرب المثل: بسامد بالای ضرب‌المثل، نشان‌دهنده آن است که مسیحی در ایران و با فرهنگ جامعه ایرانی میزیسته و به طور کامل با ادبیات عامیانه آشناست.

بر خاکِ درِ تو خوار گشتم کابِ درِ خانه، تیره باشد
(همان: بیت ۳۸۶)

عشق تو و هستی مسیحی کرمان و حدیثِ زیره باشد
(همان: بیت ۳۸۸)

دلیم از زلف تو، افتاده در پای که آری، هر فرازی را نشیب است
(همان: بیت ۱۶۲)

کردم دراز پای، ز حد گلیم خود در پیش خلق ساخت مرا شرمسار، پای
(همان: بیت ۹۶۱)

ناصحا رو که عشق، باز امروز همچو تو بر امید فردا نیست
(همان: بیت ۱۰۲۶)

نتیجه‌گیری

دیوان مسیحی با ۱۵۹ غزل، سه قصیده و اشعاری در قالب مخمس، مسمط، ترجیع‌بند و رباعی و با بیش از ۱۱۳۰ بیت، تحت تاثیر سبک عراقی است؛ لذا در سطح فکری، مضامین عاشقانه با بسامد بالای ارگونامی، مفاهیم تعلیمی و اخلاقی، عرفانی و بیان مراحل عرفان، مدح و منقبت خداوند، پیامبر(ص) و امام علی(ع)، مضامین رندانه و در سطح زبانی به جهت تقویت موسیقی بیرونی، به ترتیب از وزن دلنشین، آرام و عاشقانه هزج، وزن ضربی و تند در بحر رمل مثنی مشکول، در بیان معانی شورانگیز عرفانی از رمل مثنی مخبون، در بیان هجران و گله و شکایت از وزن نرم و سنگین مجتث مخبون، در بیان مضامین اخلاقی و تعلیمی از اوزان برهانی و جدلی در بحر مضارع اخب استفاده کرده‌است. اوزان غریب و نادر در اشعار مسیحی به چشم نمی‌خورد و ردیفها ساده، مفرد و بیشتر فعلی است. ۳۷ غزل بدون ردیف دارد که میکوشد با قافیه، نظام موسیقایی را حفظ و نبود ردیف را جبران کند. بیشترین بسامد قافیه را حروف «ان، ار، اب، ات، ین، ن» به خود اختصاص داده‌است. مسیحی با استفاده از آرایه‌های ادبی چون: تکرار، واج‌آرایی (همحروفی و همصدایی)، تصدیر (ردالعجز علی الصدر و رد الصدر علی العجز)، جناس (بویژه جناس شبه‌اشتقاق، لاحق، مطرف، زاید، تام‌مستوفی، تام‌مماثل، مرکب‌مقرون و مذیل)، سجع (متوازی، متوازن و مطرف)، موسیقی درونی قدرتمند و زیبایی در اشعار خود آفریده است، از نظر لغوی، واژه‌های عینی بسامد بالایی دارد؛ لذا در بیان مضامین عرفانی، از واژه‌های انتزاعی استفاده و سبکی غیرنمایشی و مبهم ایجاد کرده، از واژه‌های رمزگان نیز به وفور و به ترتیب، مرتبط با دین اسلام و مسیحیت، عرفان و طریقت و در نهایت واژه‌های رندانه استفاده شده است؛ واژه‌های عامیانه، اما شکوهمند، ابداع ترکیبهای اسمی جدید چون: بی‌طریق، بازآورد، نادریشی، چه‌دور، نشست‌آور، آشوب شهر... و کلمه‌های عربی، به وفور به چشم می‌خورد. از نظر دستوری، معمولاً هر مصراع، یک مصراع کامل است و فراوانی تقدم فعل بر سایر اجزای جمله، بر تاثیرگذاری شعر افزوده است. در بین انواع وجه فعل، بیشترین بسامد، به ترتیب به وجه خبری، وجه امری و در نهایت وجه پرسشی، اختصاص دارد. از نظر ادبی، بیش از ۱۲۳ مورد تشبیه بویژه (جمع و بلیغ)، استعاره بیش از ۴۵ مورد، کنایه ۸۶ مورد، ایهام تناسب با بسامد بسیار بالا، اغراق، تلمیح، تصویر سازی و ضرب المثل در دیوان مسیحی دیده می‌شود. ویژگیهای مذکور نشان میدهد مسیحی از شعرای خوب اواخر دوره صفویه و دیوان شعر او درخور تصحیح و چاپ میباشد.

تشکر و قدردانی:

از محضر استاد بزرگوار، آقای دکتر مجد و همکاران محترمشان، که صبورانه مقاله بنده را مورد بررسی قرار داده و امکان نشر این مقاله را فراهم نموده‌اند، سپاسگزارم.

تعارض منافع:

نویسنده مقاله، گواهی مینماید که این اثر در هیچ نشریه داخلی و خارجی به چاپ نرسیده است و حاصل فعالیت پژوهشی نویسنده میباشد و ایشان نسبت به انتشار آن در فصلنامه وزین بهار ادب، آگاهی و رضایت دارد. این پژوهش طبق کلیه قوانین و مقررات اخلاقی اجرا شده و هیچ تخلف و تقلبی صورت نگرفته است. مسئولیت گزارش تعارض احتمالی منافع و حامیان پژوهش، به عهده نویسنده مسئول میباشد و نامبرده مسئولیت کلیه موارد مذکور را به عهده میگیرد.

REFERENCES:

- Azhend, Yaqoub. (1380). History of Safavid Iran. Tehran: Jami Publishing. pp. 32-44
- Arjang, Gholamreza. (1374). Grammar today. Tehran: Qatreh Publishing House, p. 143.
- .Pournamdarian, Taghi. (2006). Code and secret stories in Persian literature. Tehran: Research Institute of Human Sciences and Cultural Studies, p. 73.
- Dodd, Sima. (2008). Dictionary of literary terms. Tehran: Marwarid Publishing House, p. 211.
- Draiti, Mustafa. (2008). Index of Iranian manuscripts. The fifth volume. Tehran: Publication of the Museum and Document Center of the Islamic Council.
- Sojodi, Farzan. (2007). Applied semiotics. Second edition. Tehran: Nashr Alam, p. 15.
- Shafqat, Shafi Allah. Mustali Parsa, Gholamreza (1403). A stylistic review of the sonnets of Malik al-Shaara Qari Abdullah. Scientific journal of Persian poetry and prose stylistics, number 95, year 17, page 187.
- Shafii-Kadkani, Mohammad Reza. (2018). Poetry music. Tehran: Age Publishing House, pp. 112-116-116-128-392.
- Shafii-Kadkani, Mohammad Reza. (2019). Imagination Tehran: Eshar Agha, pp. 59-73.
- Shamisa, Siros. (1370). Expression. Tehran: Firdous Publishing, p. 142.
- Shamisa, Siros. (1372). Generalities of stylistics. Tehran: Firdous Publishing, pp. 153-158.
- Saberi, Ali. (2011). Repetition industry and its various applications in Badi. Literary Research Quarterly, No. 27, pp. 38-51.
- Dhimran, Mohammad. (2013). An introduction to the semiotics of art. Tehran: Nash Qaseh, p. 7.
- Tahbaz, Siros. (1368). About a poem and a poet from Nima Yoshij's collection of works. Volume 1, Tehran: Journals Publishing, p. 103.
- Alavi-Moghadam, Mohammad; Ashraf Zadeh, Reza. (1379). Meanings and expression. Tehran: Publication of Organization for Studying and Compiling Humanities Books of Universities, pp. 117-133.
- Fatuhi, Mahmoud. (2011). Stylogy. Tehran: Sokhon Publishing House, p. 251.
- Farshidord, Khosrow. (1382). About literature and literary criticism. Volume 2, Tehran: Amir Kabir Publishing House, p. 381.
- Faruzandeh, Massoud; Bani-Talebi, Amin. (2014). The relationship between word use and poet's attitude in Weiss and Ramin. Journal of Literature and Language, Faculty of Literature and Human Sciences, Shahid Bahonar University, Kerman, No. 38, Year 18, p. 291.
- Moin, Mohammad (1375). Persian culture. Tehran: Amirkabir Publishing.

- Mirshkari, Javad. (2016). Dictionary of words approved by the academy. Tehran: Publishing Farhangistan Persian Literature, under the keyword "word".
- Mirsadeghi, Mayment. (2015). Dictionary of poetic art. Tehran: Mehnaz Kitab Publishing, pp. 302-107.
- Natal Khanleri, Parviz. (1373). The weight of Persian poetry. Tehran: Tos publishing house. P. 47.
- Manuscript of Diwan Christian Poems. Diwan in Mashhad Razavi. No. 3/4953. Book 1027 A.H.
- Norgwa, Nina. (2014). A culture of stylistics, translated by Ahmed Rezaei Jamkarani and Masoud Farhamandfar, Tehran: Marvarid Publishing House, p.96.
- Nikobakht, Naser. (2014). Examining the musical role of rhyme in Mohammad Ali Bahmani's Ghazal. A scientific-specialist quarterly in Dari. No. 16, pp. 49-60.
- Vahidian-Kamkar, Taghi. (1375). Dictionary of Persian phonetic names. Mashhad: Ferdowsi University Press, pp. 28-30.
- Homai, Jalaluddin. (1361). Rhetoric techniques and literary industries. Tehran: Tos Publishing House, p. 70.

فهرست منابع فارسی

- آزند، یعقوب. (۱۳۸۰). تاریخ ایران دوره صفوی. تهران: نشر جامی. صص ۳۲-۴۴.
- ارژنگ، غلامرضا. (۱۳۷۴). دستور زبان امروز. تهران: نشر قطره، ص ۱۴۳.
- پورنامداریان، تقی. (۱۳۸۶). رمز و داستانهای رمزی در ادب فارسی. تهران: پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی، ص ۷۳.
- داد، سیما. (۱۳۸۰). فرهنگ اصطلاحات ادبی. تهران: نشر مروارید، ص ۲۱۱.
- درایتی، مصطفی. (۱۳۸۹). فهرستواره دستنوشته‌های ایران. جلد پنجم. تهران: نشر موزه و مرکز اسناد مجلس شورای اسلامی.
- سجودی، فرزانه. (۱۳۸۷). نشانه‌شناسی کاربردی. ویراست دوم. تهران: نشر علم، ص ۱۵.
- شفقت، شفیق‌الله. مستعلی‌پارسا، غلامرضا. (۱۴۰۳). بررسی سبک‌شناسانه غزل‌های ملک‌الشعرا قاری عبدالله. نشریه علمی سبک‌شناسی نظم و نثر فارسی، شماره ۹۵، سال ۱۷، ص ۱۸۷.
- شفیعی‌کدکنی، محمدرضا. (۱۳۹۸). موسیقی شعر. تهران: نشر آگه، صص ۵۱-۱۱۲-۱۱۶-۱۲۸-۳۹۲.
- شفیعی‌کدکنی، محمدرضا. (۱۳۹۹). صور خیال. تهران: نشر آگه، صص ۵۹-۷۳.
- شمیسا، سیروس. (۱۳۷۰). بیان. تهران: نشر فردوس، ص ۱۴۲.
- شمیسا، سیروس. (۱۳۷۲). کلیات سبک‌شناسی. تهران: نشر فردوس، صص ۱۵۳-۱۵۸.
- صابری، علی. (۱۳۹۱). صنعت تکرار و انواع کاربردهای آن در بدیع. فصلنامه پژوهش ادبی، شماره ۲۷، صص ۳۸-۵۱.
- ضیمران، محمد. (۱۳۸۳). درآمدی بر نشانه‌شناسی هنر. تهران: نشر قصه، ص ۷.
- طاهباز، سیروس. (۱۳۶۸). درباره شعر و شاعری از مجموعه آثار نیما یوشیج. جلد ۱، تهران: نشر دفترهای زمانه، ص ۱۰۳.
- علوی‌مقدم، محمد؛ اشرف‌زاده، رضا. (۱۳۷۹). معانی و بیان. تهران: نشر سازمان مطالعه و تدوین کتب علوم انسانی دانشگاهها، صص ۱۳۳-۱۱۷.

- فتوحی، محمود. (۱۳۹۱). سبک‌شناسی. تهران: نشر سخن، صص ۲۵۱.
- فرشیدورد، خسرو. (۱۳۸۲). درباره ادبیات و نقد ادبی. جلد ۲. تهران: نشر امیرکبیر، صص ۳۸۱.
- فروزنده، مسعود؛ بنی‌طالبی، امین. (۱۳۹۴). ارتباط کاربرد واژه با نگرش شاعر در ویس و رامین. نشریه ادب و زبان دانشکده ادبیات و علوم انسانی دانشگاه شهید باهنر کرمان، شماره ۳۸، سال ۱۸، صص ۲۹۱.
- معین، محمد. (۱۳۷۵). فرهنگ فارسی. تهران: نشر امیرکبیر.
- میرشکاری، جواد. (۱۳۹۶). فرهنگ واژه‌های مصوب فرهنگستان. تهران: نشر فرهنگستان ادب فارسی، ذیل سرواژه «واژه».
- میرصادقی، میمنت. (۱۳۸۵). واژه‌نامه هنر شاعری. تهران: نشر کتاب مهناز، صص ۱۰۷-۳۰۲.
- ناتل خانلری، پرویز. (۱۳۷۳). وزن شعر فارسی. تهران: نشر توس. صص ۴۷.
- نسخه خطی دیوان اشعار مسیحی. دیوان موجود در مشهد رضوی. شماره ۴۹۵۳/۳. کتابت ۱۰۲۷ ه.ق.
- نورگوا، نینا. (۱۳۹۴). فرهنگ سبک‌شناسی، ترجمه احمد رضایی جمکرانی و مسعود فرهمندفر، تهران: نشر مروارید، صص ۹۶.
- نیکوبخت، ناصر. (۱۳۹۴). بررسی نقش موسیقایی قافیه در غزل محمدعلی بهمنی. فصلنامه علمی-تخصصی در دری. شماره ۱۶، صص ۴۹-۶۰.
- وحیدیان کامکار، تقی. (۱۳۷۵). فرهنگ نام‌آوایی فارسی. مشهد: نشر دانشگاه فردوسی، صص ۲۸-۳۰.
- همایی، جلال‌الدین. (۱۳۶۱). فنون بلاغت و صناعات ادبی. تهران: نشر توس، صص ۷۰.

معرفی نویسنده

مهین خطیب‌نیا: استادیار گروه زبان و ادبیات فارسی، واحد اصفهان (خوراسگان) دانشگاه آزاد اسلامی، اصفهان، ایران.

(Email: m.khatbnia@khuisf.ac.ir)

(ORCID: 0000-0002-8642-6023)

COPYRIGHTS

©2021 The author(s). This is an open access article distributed under the terms of the Creative Commons Attribution (CC BY 4.0), which permits unrestricted use, distribution, and reproduction in any medium, as long as the original authors and source are cited.

Introducing the author

Mahin Khatibnia: Assistant Professor of Persian Language and Literature Department, Isfahan Branch (Khorasgan), Islamic Azad University, Isfahan, Iran.

(Email: m.khatbnia@khuisf.ac.ir)

(ORCID: 0000-0002-8642-6023)